

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه بیان قول پنجم:

فرمایش محقق خراسانی «رحمة الله عليه» در حقیقت مرکب از چند مدّعاست، لذا باید از چند زاویه مورد بحث و بررسی قرار گیرد:

ادعای اوّل ایشان این است که می فرمایند: «ان الصیغة ما استعملت فی واحد منها»، یعنی اصل استعمال صیغه امر را در مثل تهدید، تحقیر، انذار و غیره اساسا انکار می کنند.

ادعای دوّم این است که می فرمایند «بل لم يستعمل الا فی انشاء الطلب»، یعنی در تمام این موارد، صیغه امر فقط در انشاء طلب استعمال شده است.

ادعای سوّم این است که می فرمایند: «الا انّ الداعی الی ذلک كما یکون تارة هو البعث و التحریک نحو المطلوب الواقعی، یکون اخرى احد هذه الامور»، یعنی اموری مانند تهدید و تحقیر و امثال اینها خارج از مستعمل فیّه و موضوع له بوده و تنها یک سری دواعی در جهت استعمال صیغه امر در انشاء طلب می باشند.

ادعای چهارم این است که می فرمایند: «قصارى ما یمکن أن یدعی أن تكون الصیغة موضوعة لإنشاء الطلب فیما إذا كان بداعي البعث و التحریک، لا بداع آخر منها، فیکون إنشاء الطلب بها بعثا حقیقة و إنشاؤه بها تهدیدا مجازا و هذا غیر کونها مستعملة فی التهذید و غیره»، یعنی در جهت تعیین موضوع له صیغه امر در موارد مذکور، نه مستعمل فیّه آن، نهایت چیزی که می توان ادعا کرد این است که بگوییم صیغه امر وضع شده است برای خصوص انشاء طلبی که به داعی بعث و تحریک انجام بگیرد، نه به سایر دواعی. بنا بر این، استعمال صیغه امر، در انشاء طلب به داعی بعث و تحریک، استعمال در معنای حقیقی و موضوع له آن بوده و استعمال آن در انشاء طلب به سایر دواعی مثل تهدید، تعجیز و غیره، استعمال در معنای مجازی و غیر موضوع له می باشد.

نقد و بررسی کلام محقق خراسانی:

بررسی ادعای اول:

اینکه فرمودند: صیغ امر در معنای مذکوره استعمال نشده است، سخنی صحیح و مطابق با وجدان است. لذا احدی در آیه شریفه «اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ»^۱، معنای تهدید را در ترجمه نیاورده و نگفته است که من شما را به انجام آنچه عمل می کنید تهدید می کنم و همچنین در آیه شریفه «قَاتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ»^۲، نگفته اند معنای آن این است که شما عاجز از آوردن مثل قرآن کریم هستید، بلکه نهایت چیزی که مطرح شده، آن است که ما از این جملات ترکیبی و با در نظر گرفتن سیاق، معنای تهدید، تعجیز و غیره را می فهمیم و حال آنکه در ما نحن فیّه، بحث از آن است که خود هیئت امر

۱ - فصلت/۴۰.

۲ - بقره/۲۳.

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی

با صرف نظر از اینکه با چه مادّه ای و در چه جمله ای و با چه صدی و ذیلی آورده شده است، دلالت بر چه چیزی می کند؟ مثلاً «إِعْمَلْ»، «فَاتِ» و مانند اینها، به لحاظ هیئتی که دارند و بدون در نظر گرفتن صدر و ذیل و سیاق کلام بر چه چیزی دلالت دارند؟

شاهد این مطلب، آن است که در بعضی کتب اصولی، در مبحث مرّه و تکرار چنین ادّعا شده که «اطبق اهل العربیّة على أنّ هیئة الامر لا دلالة لها الا على الطلب في خصوص زمانٍ و تمام مدلول الصیغة طلب الفعل فقط»^۲.

بررسی ادّعای دوم:

در مورد اینکه فرمودند: صیغه امر در تمام موارد مذکور در انشاء طلب استعمال شده است، عرض می کنیم انشاء طلب، معنا و حقیقتی مرکّب از انشاء و طلب است. طبق این بیان، در تمام موارد و معانی مذکور، انشائیّت باید داخل در مستعمل فيه باشد، در حالی که این سخن با مبنای ایشان که انشائیّت و اخباریّت را داخل در مستعمل فيه ندانسته، بلکه از مقوّمات استعمال می دانند^۳، سازگاری ندارد. مگر اینکه مراد ایشان از جمله «لم يستعمل الا في انشاء الطلب»، «لم يستعمل الا لاجل انشاء الطلب» یا «لم يستعمل الا في الطلب الانشائي» باشد که در هر دو صورت، مسأله خالی از اشکال نخواهد بود.

توضیح اشکال متوقّف بر آن است که معنای انشاء و معنای طلب انشائی طبق عقیده ایشان توضیح داده شود. چون در معنای انشاء در مقابل اخبار، انظار مختلفی وجود دارد. بعضی گفته اند: انشاء یعنی ایجاد معنا به وسیله لفظ در نفس الامر، بعضی دیگر گفته اند: انشاء یعنی ایجاد معنا به وسیله لفظ در عالم اعتبار و بعضی دیگر فرموده اند: انشاء یعنی ابراز حالت نفسانی به وسیله لفظ.

نظریّه سوّم نظر محقق خوئی^۴ «رحمة الله عليه» می باشد، نظریّه دوّم نظر محقق اصفهانی «رحمة الله عليه» بوده و نظریّه محقق خراسانی «رحمة الله عليه» نظریّه اوّل می باشد که سیّاتی توضیحه انشاء الله تعالی.

«و الحمد لله ربّ العالمین»

^۲ - مثلاً در ارشاد الفحول الى تحقيق علم الاصول، تالیف محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمنی (المتوفی: ۱۲۵۰هـ)، جلد ۱، صفحه ۲۵۶ در مقام نقل استدلال قائلین به عدم دلالت صیغه امر بر مرّه و تکرار آمده است: «احتجّ الأولون بإطباق أهل العربیّة على هیئة الأمر لا دلالة لها إلا على الطلب في خصوص زمان و خصوص المطلوب من قیام و قعود، و غیرهما إنّما هو من المادّة ولا دلالة لها إلا على مجرد الفعل فحصل من مجموع الهيئة والمادّة أنّ تمام مدلول الصیغة هو طلب الفعل فقط».

^۳ - ایشان در کفایة الاصول، صفحه ۱۲ در مورد وضع در حروف و اسماء می فرمایند: «أن نحو إرادة المعنى لا یکاد یمکن أن یمکن أن یمکن من خصوصياته و مقوماته»، یعنی آلیّت و استقلالیت در موضوع له و مستعمل فيه اسماء و حروف اخذ نشده اند، بلکه از مقوّمات استعمال می باشند و سپس در ادامه در مورد وضع در انشاءات و اخبارات می فرمایند: «ثم لا یبعد أن یمکن الاختلاف في الخبر و الإنشاء أيضا كذلك فیکون الخبر موضوعا لیستعمل في حكاية ثبوت معناه في موطنه و الإنشاء لیستعمل في قصد تحقّقه و ثبوته و إن اتفقا فيما استعملا فيه».

^۴ - ایشان در محاضرات فی اصول الفقه، جلد ۱، صفحه ۸۸ در مقام بیان حقیقت جملات انشائیّه می فرمایند: «و اما الکلام في المقام الثاني فالصحيح هو ان الجملة الإنشائية موضوعة لإبراز أمر نفساني غير قصد الحكاية و لم توضع لإيجاد المعنى في الخارج».